

مرغ سحر

در دستگاه ماهور

بند اول

داغ مرا تازه تر کن	مرغ سحر ناله سر کن
بر شکن و زیر و زبر کن	ز آه شرر بار این قفس را
نغمه آزادی نوع بشر سرا	بلبل پر بسته زکنج قفس در آ
پر شرر کن	وز نفسی عرصه این خاک توده را
آشیانم داده بر باد	ظلم ظالم ، جور صیاد
شام تار یک ما را سحر کن	ای خدای فلک ای طبیعت

☆

ابر چشمم ژاله بار است	نو بهار است گل بیار است
این قفس چون دلم تنگ و تار است	
دست طبیعت گل عمر مرا مچین	شعله فکن در قفس ای آه آتشین
بیشتر کن	جانب عاشق نگه ای تازه گل، ازین
مرغ بیدل، شرح هجران مختصر مختصر مختصر کن	

بند دوم

عهد و وفا پی سپر شد	عمر حقیقت بسر شد
هر دود و غوی اثر شد	ناله عاشق، ناز معشوق
قول و شرافت همگی از میانه شد	راستی و مهر و محبت فسانه شد
دیده تر شد	از پی دزدی وطن و دین بهانه شد
زارع از غم گشته بیتاب	ظلم مالک، جور ارباب
جام ما پر ز خون جگر شد	ساغر اغنیا پر می ناب



ایدل تنگک ناله سر کن از قوی دستان حذر کن
 از مساوات صرف نظر کن
 ساقی گلچهره بده آب آتشین برده دلکش بزن ای یار دلنشین
 ناله بر آراز قفس ای بلبل حزین کز غم تو، سینۀ من، پر شرر شد
 کز غم تو سینۀ من پر شرر پر شرر شد

عروس گل

در افشاری و رهاب - هنگام رفع حجاب

(بند اول)

عروس گل از باد صبا - شده در چمن چهره گشا - الا ای صنم بپد خدا
 ز پرده تو رخ بدر کن
 دیده کسی هرگز بود پیچۀ زدن خوی گل پیچۀ زدن خوی گل
 پرده بر افکن تا شود پرده نشین روی گل پرده نشین روی گل
 بسوز دل اهل صفا - بعشق و بمهر و بوفا، ای صنم
 ز پیچۀ زدن حذر کن
 آه نهان چرا چهرۀ دلجوی تو وای گشاده به ، روی تو هم موی تو

بند دوم

ندیده بود چهر پری - نهفته کند جلوه گری - تو چون از پری زیباتری
 هر آیند جلوه سر کن
 دیده کسی هرگز بود حور و پری در حجاب حور و پری در حجاب
 دیده کسی هرگز بود شمس و قمر با نقاب شمس و قمر با نقاب
 بسوز دل اهل صفا - بعشق و بمهر و بوفا ای صنم
 ز پیچۀ زدن حذر کن
 آه نهان چرا چهرۀ دلجوی تو وای گشاده به روی تو هم موی تو

دیوان اشعار

شادروان محمد تقی بهار «ملک الشعراء»

استاد فقید و انگاه

جلد دوم

چاپ دوم

مشتمل بر: مثنویات - غزلیات - قطعات - رباعیات - و سبئیا

مطایبات، اشعار بلجه مشدی، تصنیفها

تهران ۱۳۴۵

حق چاپ و تجدید آن برای خانواده بهار محفوظ است

از انتشارات



نشر و چاپ بهار